



بسم الله الرحمن الرحيم ( ۱ )

بسیار کار بجا و خوبی انجام گرفته؛ منتها همان طور که آقای محقق فرمودند، یک خرده دیر دارد انجام میگیرد این کار، و الا باید بیست سال پیش، سی سال پیش این کار انجام میگرفت.

آن زمانی که ما قم بودیم، مرحوم آقای داماد (رضوان الله علیه) یکی از معدود ارکان قطعی علمی قم بود؛ خوب اساتید زیادی بودند، [ولی] واقعاً بین اساتیدی که بودند، ایشان یک رکن علمی حقیقی و واقعی بود؛ درس ایشان یک درس برجسته‌ی به معنای واقعی بود؛ بخصوص درس فقه ایشان؛ جمعی که به درس مرحوم آقای داماد میرفتند - در زمان ما آنهایی که می‌شناختیم میرفتند فقه، در دوره‌ی قبل از ما [میرفتند] اصول؛ بنده دوره‌ی بعد بودم، حالا دوره‌ی آخر یا ما قبل آخر [بود] که درس اصول ایشان رفتیم - و کسانی هم که قبل از ما درس اصول ایشان رفته بودند، همه جزو فضلاء برجسته بودند. بنده درس ایشان را وقتی رفتیم، جزوه‌ی دوره‌ی قبل اصول را از یکی از شاگردان ایشان، [یعنی] مرحوم آقای طاهری اصفهانی (رحمة الله علیه) - که ظاهراً کتاب ایشان چاپ هم شده - گرفتم، استفاده می‌کردم، نگاه می‌کردم. غرض [اینکه] درس ایشان درس فضلاء بود، درس برجسته‌های حوزه بود.

خب آقای صالحی جوانب مختلف شخصیت ایشان را گفتند و درست است؛ این مطالبی که ایشان فرمودند، با یافته‌های ما و آنچه ما دیدیم و از نزدیک شاهد بودیم، کاملاً تطبیق میکند. ایشان به علم فکر میکردند، واقعاً به معنای واقعی کلمه ایشان محقق و مدقق بودند؛ دقتهای ایشان در زمینه‌های مختلف زبانزد بود؛ دقتهایی که ایشان در مسائل گوناگون میکردند، زبانزد بود. با اینکه بیان ایشان بیان رسا و خوبی نبود، اما مطلب را ایشان کاملاً تفهیم میکرد؛ یعنی آن طلبه‌ای که نشسته بود آنجا و گوش میداد، کاملاً مطلب را میتوانست بگیرد؛ لذا شاگردان خوبی ایشان تربیت کردند که چند نفرشان از مراجع فعلی هستند؛ همین طور که جنابعالی اشاره کردید و ایشان اشاره کردند.

آقای آقاموسی صدر - حفظه الله یا رحمة الله؛ نمیدانم - تازه رفته بود نجف، یکی دو سالی بود که نجف بود؛ ما [هم] مشرف بودیم؛ آنجا با ایشان ملاقات کردیم، پرسیدیم که وضع و نسبت اساتید اینجا با قم چه جور است؛ چون ایشان شاگرد آقای داماد بود؛ ایشان گفت نه، هیچ رجحانی اینجا من نمیبینم؛ یعنی واقعاً آن وقت با اینکه بزرگانی در نجف بودند، قضاوت آقای آقاموسی این بود؛ گفت نه، من [رجحانی نمیبینم]. همین طور که ایشان اشاره کردند [به بحث] حق الطاعه (۲)، این جزو حرفهای آقای داماد است؛ حالا ممکن است که مثلاً فرض کنید دو ذهن با همدیگر در این زمینه تلاقی کنند، لکن با توجه به رفتن آقای آقاموسی به نجف و ارتباطش با مرحوم آقای شهید صدر، خیلی به نظر قریب و نزدیک می‌آید که از [نظرات] ایشان هم اینجا استفاده کرده باشند.

یکی از خصوصیات مرحوم آقای داماد صراحت بود؛ یک آدم بی‌رودربایستی، صریح؛ ایشان [اهل اینکه] ملاحظه‌ی این و آن را بکنند نبود. در زمینه‌ی این مبارزات هم که اشاره کردند، بله، از سال ۴۱، یعنی قبل از ۴۲، در همان [قضیه‌ی] انجمنهای ایالتی و ولایتی، ایشان یکی از کسانی بودند که امضا کردند و نامه نوشتند و فرستادند و تلگراف کردند و در همه‌ی جلسات شرکت کردند. و بعد که امام بعد از حادثه‌ی پانزدهم خرداد دستگیر شدند و اول زندان و بعد حصر و مانند اینها [پیش آمد]، یک شب بنده و اخوی و آقای ابراهیمی و مرحوم آشیخ علی حیدری نهایندی و آقای مرحوم حاج آقا روح‌الله کمالوند که آمده بود قم، گفتیم برویم پیش ایشان و از ایشان درخواست کنیم که از



آقایان مراجعی که در قم هستند بخواهد که یک کاری بکنند، یک حرکتی بکنند، یک اقدامی بکنند و مانند اینها؛ شب زمستانی هم بود؛ رفتیم آنجا، آقای داماد هم تشریف آورده بودند؛ ایشان همین طور ایستاده بودند آنجا؛ حرف را شروع کردیم و یک مطلبی گفتیم و ایشان در آن جلسه شروع کرد به حمایت از امام و شکایت از کسانی که ایشان را تنها گذاشتند. من شاید بعضی از مضامین تعبیرات ایشان را یادم هست؛ خیلی تند، خیلی تند! و آن وقت بامزه‌اش این بود که اتفاقاً یکی از همان افرادی که مورد شکایت ایشان بودند، آمد داخل جلسه! و غرض، ایشان این جوری بود؛ یعنی آدم صریح، بی‌ملاحظه [کاری]. هم جنبه‌ی علمی ایشان برجسته و ممتاز بود، هم جنبه‌ی عملی و تقوایی ایشان، آن جنبه‌ی مردمی که اشاره کردید هم همین جور است؛ ایشان با این همه اشتغال، نماز جماعتشان و منبرشان [برقرار بود]؛ و شنیدم که قبل از ما، ایشان ماه رمضانها برای منبر به این طرف و آن طرف مسافرت هم میکردند. البته زمان ما این جور نبود؛ زمان ما ایشان همان در مسجد خودشان صحبت میکردند؛ اینها هیچ وقت ترک نشد؛ این خیلی مهم است. خداوند ان‌شاءالله درجاتشان را عالی کند. خلایبی بود واقعاً رحلت ایشان. سال ۴۷ [که رحلت کردند] واقعاً احساس خلأ میشد. البته بنده آن وقت قم نبودم، لکن معلوم بود که قم یک ضربه‌ی علمی خورد با رفتن آقای داماد؛ اگر ایشان میماندند، یقیناً برای پیشرفت علمی قم خیلی بهتر بود.

حالا هم این کارهایی که جنابعالی اشاره کردید خیلی خوب است. خب تقریرات اصول ایشان چاپ شده؛ هم مال آقای مکارم چاپ شده، هم مال مرحوم آقای طاهری چاپ شده؛ و فقه هم که چند موضوع، هم حج، هم صلاة، از آقایانی که هستند درآمده. و هر چه بتوانید از افادات فقهی ایشان منتشر کنید، بهتر است؛ حالا اصول بله، دو دوره برای اصول، کافی است؛ اما هر چه از مباحث فقهی ایشان بتوانید بیرون بیاورید و در اختیار همه قرار بدهید، به نظر من جا دارد. ان‌شاءالله که موفق باشید؛ خداوند ان‌شاءالله درجات ایشان را عالی کند، آقازاده‌های محترمشان، خانواده‌ی محترمشان را محفوظ بدارد؛ و آقایانی که زحمت این کار را کشیدید و متحمل این اقدام نیک شدید، خدا ان‌شاءالله همه‌ی شما را مأجور بدارد.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

۱) در ابتدای این دیدار - که در چهارچوب دیدارهای دسته‌جمعی برگزار شد - آقای سیدعباس صالحی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی) و حجّت‌الاسلام و المسلمین سیدمصطفی محقق‌داماد (فرزند مرحوم سیدمحمد محقق داماد) و حجّت‌الاسلام و المسلمین رضا مختاری (عضو ستاد برگزاری همایش) مطالبی بیان کردند.

۲) از ارکان اندیشه‌ی اصولی شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر صدر (قدس سره) نظریه‌ی حق‌الطاعة است. بر اساس این نظریه هرگاه مکلف دلیلی شرعی بر اثبات یا نفی حکم الزامی نیابد به حکم عقل ملزم به احتیاط است. از این رو دائرة حق اطاعت شارع وسیع‌تر از آن در نظر مشهور اصولیون است، زیرا شامل حکم الزامی محتمل هم میشود.